

«سلام» در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن^۱

ایراندخت فیاض^۲

سپیده انصافی مهربانی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین جایگاه «سلام» در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده‌ها بر اساس فرم‌های فیش‌برداری از منابع موجود و مرتبط انجام شده و در ادامه با شیوه‌های کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به این ترتیب که محققان کوشیده‌اند در راستای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی (باز، محوری و انتخابی)، تم‌سازی و طراحی ابعاد شناخته شده استفاده کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «سلام» ریشه‌ای قرآنی و آدابی مبتنی بر سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام دارد و مهم‌ترین پیامدهای تربیتی آن در دو بُعد فردی (کرامت‌افزایی، عزت‌آفرینی، تقویت تواضع و جلوگیری از تکبر، آرامش‌زایی و تعادل روانی) و اجتماعی (زمینه‌سازی انس و الفت، تقویت تعامل عاطفی، تقویت همدلی، تحکیم دوستی) دسته‌بندی و تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی

سلام، ریشه‌یابی قرآنی، پیامدهای تربیتی، ابعاد فردی و اجتماعی، آموزه‌های اسلامی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۹/۰۱.

۲- دانشیار گروه آموزش و پرورش دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است و وابستگی او به دیگران و اثرپذیری او از دیگران چه در جنبه درونی و چه در جنبه بیرونی، از لحظه تشکیل و تکوین جنین آغاز شده و تا پایان زندگی ادامه دارد. بی‌گمان روابط اجتماعی و مناسبات روان‌شناختی بر پایه کرامت انسان و توأم با عدالت و انصاف، تأثیری سازنده بر تربیت افراد دارد و روابط ناسالم اجتماعی و مناسبات غیر معتدل برخاسته از افراط و تفریط بر پایه حقارت انسان و توأم با ستمگری و تبعیض، تأثیری مخرب بر افراد می‌گذارد. به عبارت دیگر، سلامت مردم به سلامت اجتماعی بستگی دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹). از این روست که در تمام ادیان و جوامع بر روی تربیت اجتماعی حساسیت دو چندان نشان داده می‌شود.

سلام کردن یکی از عواملی است که می‌تواند سرآغاز ایجاد تعاملات اجتماعی انسان‌ها باشد؛ چرا که همه انسان‌ها نیازمند رابطه و برقراری ارتباط با دیگران هستند و این به دلیل آن است که حیات و زندگی پویا و مولد آدمی در گرو روابط بین فردی و ارتباطات مؤثر و مفید و متقابل با دیگران است. به سخن دیگر بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی و تعامل فردی، انسان نمی‌تواند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود دست پیدا کند (عابدینی، ۱۳۸۳، صص ۱۸-۱۷).

روش پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش، از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع، منابع موجود و مرتبط جمع‌آوری شده و با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به این ترتیب در پژوهش حاضر ابتدا نسبت به مطالعه مبانی نظری سلام اقدام شده (در این مرحله مبانی علمی، سوابق نظری و پژوهشی سلام مورد بررسی قرار گرفته) و در گام بعد تمام آیات قرآنی مرتبط با سلام با تفاسیر شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله سوم احادیث مربوط به سلام از منابع حدیثی استخراج شده و در گام بعد پیامدهای سلام با استفاده از کدگذاری باز از میان آیات قرآن و احادیث استخراج و تبیین شده است. همچنین در گام پنجم که کدگذاری محوری است، محققان اقدام به دسته‌بندی پیامدهای استخراج شده از داده‌ها کرده‌اند و در گام ششم که کدگذاری انتخابی است، پیامدهای اصلی انتخاب شده و آن‌هایی که نیاز به اصلاح داشتند مورد توجه قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که شناسایی پیامدها با در نظر گرفتن جامعیت (در بر گرفتن تمام واحدها) و مانعیت (واحدهای جدا کننده از سایر پیامدها) در راستای هدف

تحقیق صورت گرفته و با برقراری ارتباط بین طبقات، تم اصلی در قالب دو بُعد فردی و اجتماعی فراهم آمده است.

یافته‌های پژوهش

سلام در لغت و معانی آن

سلام اسم مصدر از تسلیم، تحیت، پیروی و اطاعت (منجد، ۱۳۸۳، ص ۳۴۷) و به معنی بی‌گزند شدن از عیب یا آفت، رهیدن و نجات یافتن، پاکی و رهایی از عیب (عمید، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲۰)، عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی (اصفهانی، ۱۴۱۶هـ حرف سین)، همچنین تحیت، سلامت، صلح و آشتی، تعظیم و تکریم است. این واژه به معنای درود گفتن و تهنیت به زبان آوردن هم به کار رفته است (معین، ۱۳۸۶، حرف سین). چنان که در آیه شریفه *وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰبَعِ الْهُدٰی*؛ «سلام و تحیت بر کسی که از هدایت پیروی کند» (طه، ۴۷)، سلام به معنای تحیت است. سلام، اطمینان دادن به فرد مقابل است؛ به این معنی که فرد سلام‌دهنده می‌خواهد بگوید هم سلامتی و تندرستی تو را خواستارم و هم از جانب من آسوده و مطمئن باش که گزندى به تو نخواهد رسید. من خیرخواه تو هستم، نه بدخواه و کینه‌ورز و دشمن. شعار سلام در اسلام نیز نوعی درود و تحیت اسلامی است که دو مسلمان به هم می‌گویند. حقیقت معنی «سَلَامٌ عَلَیْکُمْ» در اصل «سَلَامٌ اللهُ عَلَیْکُمْ» است؛ یعنی درود پروردگار بر تو باد، یا خداوند تو را به سلامت دارد و در امن و امان باشی. به همین دلیل سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک دشمنی و جنگ محسوب می‌شود. این معنای شعار اسلامی سلام است. سلام نیز از اسماء خدا است؛ زیرا سلامت از هر نقص و عیب و نابودی است. همچنین یکی از کاربردهای سلام به همراه پیشوند «دار» در معنای خانه سلامت، به بهشت اطلاق شده است. «دارالسلام» به معنای بهشت است (منجد، ۱۳۸۳، ص ۳۴۷).

واژه تحیت نیز که یکی از مترادفات سلام است، از ریشه «ح ی ی» و در لغت به معنای بقا و ملک و پادشاهی (فیروزآبادی، ۱۴۱۵هـ ج ۴، ص ۳۲۲)، سلامتی (ابن‌منظور، ۱۴۰۴هـ ج ۱۴، ص ۲۱۶) و زندگی خواستن برای دیگری (طریحی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰۸) است. این واژه در اصطلاح عبارت از گفتار یا کردار احترام‌آمیزی است که هنگام روبه‌رو شدن با دیگران یا وارد شدن به مکانی خاص صورت می‌گیرد (حسینی دشتی، ۱۴۶۹هـ ج ۳، ص ۵۱۳). تحیت در اصل به معنای دعا کردن برای حیات شخص دیگر است. سپس در معنای مطلق دعا کردن شیوع یافته و در نهایت در متون

شرعی در معنای دعای مخصوص یعنی سلام علیک و مانند آن به کار رفته است (حسینی دشتی، ۱۳۶۹ هـ، ج ۱۲، ص ۱۲۳).

تاریخچه سلام

سلام از واژگانی است که پیش از اسلام نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و در حقیقت قدمتی به درازای تاریخ بشریت دارد. نقل است که چون خداوند حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را آفرید، به ملائکه دستور داد سجده کنند. اما ابلیس امتناع کرد و رانده شد. سپس ذات باری تعالی به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ دستور داد که ای آدم به سوی آن گروه از ملائکه برو و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». پس آدم رفت و چنین کرد. ملائکه در جواب گفتند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». چون حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ به سوی خدا بازگشت، خداوند متعال به او فرمود: هَذِهِ تَحِيَّتُكَ وَتَحِيَّةُ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ فِيمَا بَيْنَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ «این تحیت و سلام تو و تحیت فرزندان بعد از تو تا روز قیامت است» (کمره‌ای، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص ۷). در زمان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز واژه سلام مرسوم بوده است؛ چنان که در سوره مریم، خدای متعال از قول حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که به آزر گفت: سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا؛ «سلام بر تو. من به زودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می‌کنم؛ چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است» (مریم، ۴۷). همچنین خداوند متعال می‌فرماید: وَتَمَّذُ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالنَّبِيِّ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامًا؛ «فرستادگان ما برای ابراهیم بشارت آوردند. گفتند: سلام. او نیز گفت: سلام» (هود، ۶۹).

نحوه احترام در میان اقوام مختلف، متفاوت است. در ایران پیش از اسلام دو دست را روی هم و بر سینه قرار داده و تعظیم می‌کردند. مسیحیان دست بر دهان می‌گذاشتند و یهودیان با انگشت اشاره می‌کردند (میر/حمیدی، ۱۳۸۴، ص ۵). در میان اعراب جاهلی نیز احترام متقابل و به کار بردن واژه سلام مرسوم بوده است؛ اما تفاوتی عمده بین سلام جاهلی و سلام در میان اقوام و ملل دیگر با سلامی که مد نظر اسلام است وجود دارد. معنای کلی و عمده سلام در میان اقوام جاهلی و ملل دیگر، دعا و آرزوی سلامتی برای طرف مقابل است. ممکن است ما علاقه‌مند باشیم مخاطب تحیت ما، سالم و سرزنده باشد؛ اما مال و آبرویش از ناحیه ما در امان نباشد. در سلام اسلام، درخواست سلامتی برای طرف مقابل و ابراز امنیت از ناحیه گوینده به صورت توأم گنجانده شده است. حدیثی از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معنایی را که برای سلام ذکر کردیم تأیید می‌کند. از فضل بن عباس نقل شده که می‌گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای فضل! آیا تفسیر «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» را می‌دانی؟ هنگامی

که مردی به دیگری بگوید: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» یعنی بر من است پیمان و عهد خداوندی که تو را غیبت نکنم، سخنانت را به ضرر و زیانت عیب ننمایم و خواستار بدی و بیچارگی و ذلت تو نباشم. و زمانی که جواب سلامش را با «عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» بدهد یعنی همان پیام را به گوینده سلام می‌دهد و خداوند رحمان و رحیم، بر آنچه می‌گویند شاهد و ناظر است (کمره‌ای، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص ۵). اینگونه، شخص سلام‌دهنده به سلام‌گیرنده اعلام می‌کند که تو از ناحیه من در امانی و هیچ‌گونه ظلم و تجاوزی از من نسبت به خود نخواهی دید (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ ج ۷ ص ۷۶). چرا که نخستین چیزی که یک اجتماع، نیازمند آن است، داشتن امنیت در جان، مال و آبرو است (همان‌جا).

ریشه‌یابی سلام در قرآن

سلام از ریشه «س ل م» و به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است. بنابراین گفته‌اند: سَلَّمَ مِنْ الْعُيُوبِ وَالْآفَاتِ سَلَامًا وَسَلَامَةً؛ «از بلاها و عیب‌ها نجات یافت و کنار شد» (اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ص ۱۲۷). به عنوان مثال درباره کلمه «سلیم» در آیه اِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ «آنگاه که با دلی پاک نزد پروردگارش آمد که درباره سلامت باطن است» (صافات، ۸۴)، گفته‌اند قلب سلیم آن است که از شک، حسد، کفر و... سالم و کنار باشد. در معنای «مسلمه» در سوره بقره نیز همین معنا را برداشت کرده‌اند: قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَأَ ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةً لَأَ شَيْئَةٍ فِيهَا قَالُوا الْآنَ حِجَّتَ بِالْحَقِّ فَدَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَتَعْلَمُونَ؛ «پیامبر ﷺ گفت خداوند می‌فرماید: گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده و نه برای زراعت آبکشی کند. از هر عیبی برکنار باشد و حتی هیچ‌گونه رنگ دیگری در آن نباشد. گفتند: الآن حق مطلب را آوردی. سپس چنان گاوی را پیدا کردند و آن را سر بریدند. ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند» (بقره، ۷۱). «مسلمه» یعنی از عیوب سلامت است و خالی در آن نیست که مراد از آن سلامت ظاهری است.

سلامت، مواردی قابل تفکیک دارد. از جمله اینکه در بعضی موارد سلام خارجی است و به معنی سلامت وجودی در مقابل سلام لفظی، قولی و... است. مانند: اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ؛ «به سلامت وارد بهشت شوید. آن روز جاودانگی است» (ق، ۳۴). و آیه قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ «گفتیم: ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش» (انبیاء، ۶۹). منظور آن است که تمام وجود حضرت ابراهیم ﷺ در امان و سلامت از آسیب‌های سوزنده آتش قرار گیرد و همچنین یَهْدِيهِ إِلَى اللَّهِ مِنَ

اتَّبِعْ رِضْوَانَهُ سَبِيلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ «خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، با آن کتاب به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود و به توفیق خویش، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایت‌شان می‌کند» (مائده، ۱۶). منظور از «سَبِيلَ السَّلَامِ» یعنی راه‌های نجات از عذاب الهی یا راه‌های خدا که عبارت از احکام دین اسلام است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵). همچنین لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ «برای آن‌ها نزد پروردگارشان سرای عافیت است و او به پاداش آنچه انجام می‌دادند، یارشان خواهد بود» (انعام، ۱۲۷). یعنی حضور در پیشگاه الهی، خانه‌ای سالم و دور از آفات برای مؤمنین است. همه این‌ها به معنی سلامت و سلام خارجی است.

یکی دیگر از موارد و مصداق لفظ سلام از ریشه «سَلِمَ»، سلام قولی و لفظی است که در آیات ذیل به کار رفته است؛ وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا قُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ «و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند بگو درود بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده برای هر کس از شما که به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و اصلاح آید. پس وی آمرزنده مهربان است» (انعام، ۵۴). در این آیه خداوند پیامبرش را امر کرده که سلامش را به اهل ایمان برساند یا او را امر کرده که به احترام آن‌ها، در هنگام سلام، بر آن‌ها سبقت بگیرد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵). و مانند آیه وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ تَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛ «و میان آن دو گروه حایلی است. و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو دسته را از سیمای‌شان می‌شناسند. و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده و بدان امید دارند آواز می‌دهند که سلام بر شما» (اعراف، ۴۶). سلام قولی در اسلام همین دعا و خواستن سلامت از خداوند به شخص است. سلام علیکم یعنی سلامت باد از خدا بر شما و چون از جانب خداست، لذا تحتی از خدا و با برکت است. در آیه سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ؛ «از جانب پروردگار مهربان به آنان سلام گفته می‌شود» (یس، ۵۸). این سلام قولی از جانب خداوند است که به اهل بهشت اعلام می‌شود و بهشتیان می‌دانند که پیوسته در سلامت و امن خواهند بود.

سلام همچنین یکی از اسماء خداوند است. چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ «اوست خدایی که جز او معبودی نیست (حشر، ۲۳). همان فرمانروای پاک سلامت‌بخش و مؤمن به حقیقت حقّه خود که نگهبان، عزیز، جبار و متکبر است. پاک است خدا از آنچه با او شریک می‌گردانند». سلام از اسماء

حسنی است. راغب می‌گوید: گفته‌اند علت توصیف خداوند به سلام آن است که عیوب و آفات به حضرتش راه ندارد، چنان‌که به خلائق می‌رسد. در این صورت سلام به معنی سالم است (اصفهانی، ۱۴۱۶هـ ص ۸۸). صدوق در توحید آن را سلامت‌دهنده و سالم از هر عیب گفته است (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷). همچنین صاحب تفسیر المیزان می‌گوید: «سلام کسی است که بدون شر و ضرر، با تو به سلامت و عافیت ملاقات کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۱۱، ص ۴۷۵).

واژه سلام در قرآن تا آنجا اهمیت دارد که گاه از طرف خداوند به پیامبران گفته می‌شود: *سَلَامٌ عَلَی نُوْحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ*؛ «درود بر نوح در میان جهانیان» (صافات، ۷۹). این آیه درباره حضرت نوح علیه السلام نازل شده و از همه سلام‌ها وسیع‌تر است. «این سلام، تحیتی برای نوح است که از جانب خدا و امت‌های انسانیت بر او هدیه می‌شود؛ مادامی که چیزی از خیرات قولاً و عملاً در جوامع بشری واقع شود. چون حضرت نوح علیه السلام نخستین کسی است که به دعوت توحید برخاسته و شرک و اثر آن را کوبیده و حدود هزار سال در این راه رنج برده، پس برای او از هر خیر نصیبی تا روز قیامت است و در تمام قرآن، سلامی به این وسعت جز درباره نوح یافته نیست» (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۱۷، ص ۲۲۲). *وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ*؛ «و درود بر فرستادگان» (صافات، ۱۸۱). راغب گوید: «این سلام‌ها روشن می‌کنند که خدا خواسته به پیامبران ثنا و دعا شود» (اصفهانی، ۱۴۱۶هـ حرف سین). همچنین گاه از زبان فرشتگان به اهل بهشت گفته می‌شود: *سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ*؛ «درود بر شما به پاداش آنچه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرا» (رعد، ۲۴). و گاه این واژه را اهل بهشت برای یکدیگر به کار می‌برند: *لَا یَسْمَعُونَ فِیْهَا نَعْوَا اِلَّا سَلَامًا وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِیْهَا بُكْرَةً وَ عَشًی*؛ «در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، جز درود و روزی‌شان صبح و شام در آنجا آماده است» (مریم، ۶۲). *لَا یَسْمَعُونَ فِیْهَا نَعْوَا وَ لَّا تَأْتِیْمًا اِلَّا قِیْلًا سَلَامًا سَلَامًا*؛ «در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه سخنی گناه‌آلود. سخنی جز سلام و درود نیست» (واقعیه، ۲۶-۲۵). مراد از سلام در این آیات، هر دو سلام قولی و فعلی است؛ یعنی به یکدیگر سلام گویند و از هم دیگر در سلامت باشند.

آداب سلام کردن

۱- رعایت مراتب سلام گفتن: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد رعایت مراتب سلام گفتن می‌فرماید: *یُسَلِّمُ الصَّغِیْرُ عَلَی الْكَبِیْرِ، وَ یُسَلِّمُ الْوَاحِدُ عَلَی الْاِثْنِیْنِ، وَ یُسَلِّمُ الْقَلِیْلُ عَلَی الْكَثِیْرِ، وَ یُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَی الْمَاشِی، وَ یُسَلِّمُ الْمَارُّ عَلَی الْقَائِمِ وَ یُسَلِّمُ الْقَائِمُ عَلَی الْقَاعِدِ*؛ «کوچک باید به بزرگ سلام کند. یک نفر باید به دو

نفر سلام کند. گروه کم باید به گروه زیاد سلام کند. سواره بر پیاده سلام کند. عابر به ایستاده و ایستاده به نشسته سلام کند» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۴۶۳).

۲- بلند بودن صدای سلام کننده: امام صادق علیه السلام در مورد وضعیت بلندی صدای سلام دهنده می فرماید: *أَذَا سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِسَلَامِهِ وَلَا يَقُولُ: سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ وَلَعَلَّهُ يَكُونُ قَدْ سَلَّمَ وَكَمْ يُسْمِعُهُمْ، فَإِذَا رَدَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِرَدِّهِ وَلَا يَقُولُ الْمُسْلِمُ: سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ؛* «هنگامی که یکی از شما سلام می کند، بلند سلام کند و نگوید سلام کردم و پاسخم را ندادند. شاید سلام گفته، ولی شنیده نشده است. وقتی که کسی پاسخ سلام را می دهد، بلند پاسخ دهد تا سلام کننده نگوید سلام کردم ولی پاسخم را ندادند» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۸۵).

۳- متواضع بودن سلام کننده: امام صادق علیه السلام در باب این ویژگی سلام کننده می فرماید: *إِنَّ مِنْ التَّوَاضُعِ أَنْ يَرْضَى الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ، وَأَنْ يُسَلِّمَ عَلَى مَنْ يَلْقَى؛* «از آثار تواضع این است که انسان به نشستن در پایین مجلس راضی باشد و به هر کس می رسد، سلام کند» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ ج ۷۶، ص ۶).

۴- کامل بودن سلام: در آداب اسلامی، پاسخ هر سلام و تحیتی باید کامل تر از آن یا دست کم مطابق آن باشد. خداوند در قرآن می فرماید: *وَإِذَا حُتِّبْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛* «و چون به شما درود گفته شد، شما [به صورتی] بهتر از آن درود گوید یا همان را [در پاسخ] برگردانید؛ که خداوند همواره به هر چیزی حسابرس است» (نساء، ۸۶). منظور از کامل بودن پاسخ این است که اگر کسی بگوید «سلام»، در پاسخ باید گفت «سلام علیکم». اگر کسی بگوید «سلام علیکم»، در پاسخ او باید گفت «سلام علیکم ورحمة الله». اگر بگوید «سلام علیکم ورحمة الله»، در پاسخ باید گفت «سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

۵- التزام به پاسخ سلام: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: *السَّلَامُ تَطَوُّعٌ وَالرَّدُّ قَرِيبَةٌ؛* «سلام کردن مستحب و پاسخ آن واجب است» (محملمی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۳۷).

۶- رعایت تساوی در سلام: مسلمان نباید در سلام، میان افراد دارا و فقیر تفاوتی بگذارد. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «اگر کسی به مسلمان فقیری، همانند سلامی که به یک ثروتمند می کند، سلام نکند، خداوند عزوجل در روز قیامت علیه او خشمناک خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ ج ۷۲، ص ۳۸).

۷- میانه‌روی در سلام: نکته دیگر در آداب سلام، پرهیز از افراط و تفریط است. گاهی سلام به اندازه‌ای همراه با احترام است که بیشتر به تظاهر، ریا و چاپلوسی می‌ماند و گاهی نیز به تناسب موقعیت معنوی افراد، سلام مناسبی به آن‌ها داده نمی‌شود که هر دو نارواست. باید به تناسب معنوی هر کس به او سلام کرد. اگر سلام فقط احترام ظاهری باشد و در دل به مؤمنان ارادت نداشته باشیم، این کار، نفاق و دورویی است. همچنین اگر به آن‌ها بی‌اعتنایی کنیم و در حد ارادت قلبی، به شایستگی سلام ندهیم، کوتاهی کرده‌ایم. پس شایسته است که حد هر کسی را رعایت کرده و از افراط و تفریط در سلام پرهیز کنیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: لَا تَبْلُغْ فِي سَلَامِكَ عَلَى الْإِخْوَانِ حَدَّ النِّفَاقِ وَلَا تَقْصُرْهُمْ عَنْ دَرَجَةِ الْأَسْتِحْقَاقِ؛ «در سلام کردن به برادران دینی نه در حد ریا غلو کنید و نه از اندازه شایستگی‌شان کوتاهی ورزید» (ابن‌الحدیث، ۱۳۷۸ هـ ج ۲۰، ص ۳۱۵).

۸- نمایندگی در سلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: إِذَا سَلَّمَ مِنْ الْقَوْمِ وَاحِدًا أُجِرَ عَنْهُمْ وَإِذَا رَدَّ وَاحِدًا أُجِرَ عَنْهُمْ؛ «هنگامی که در میان جمعی هستی، یک نفر سلام کند کافی است و در میان جمع هم یک نفر پاسخ دهد، کفایت می‌کند» (حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱۲، ص ۵۴).

۹- پرهیز از سلام کردن به برخی افراد: در آداب اسلامی، سلام کردن به چند گروه استحباب ندارد: نخست افرادی که ممکن است به دلیل اشتغال به برخی کارها هنگام پاسخ گفتن به سلام دچار مشکل شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ثَلَاثَةٌ لَا يُسَلِّمُونَ الْمَاشِيَ مَعَ الْجَنَازَةِ وَالْمَاشِيَ إِلَى الْجُمُعَةِ وَفِي بَيْتِ الْحَمَامِ لِمَنْ لَا أَرْزَاقَهُ؛ «به سه کس سلام نکنید؛ کسی که همراه جنازه می‌رود، کسی که به نماز جمعه می‌رود و کسی که در حمام لباس بر تن ندارد» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۴۶).

دوم کسانی که به سبب کارهای نامشروع و ناشایست، لیاقت دوستی و سلام کردن ندارند. مانند افراد شراب‌خوار، رباخوار و قمارباز. البته اگر سلام کردن در اصلاح و هدایت آن‌ها مؤثر باشد، اشکال ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۷۶، ص ۹).

سوم افرادی که با سلام کردن به آن‌ها ممکن است مفسده ایجاد شود. مانند: سلام کردن به زنان جوان. امام علی علیه السلام به زنان جوان سلام نمی‌کرد و می‌فرمود: «می‌ترسم آوازش مرا خوش آید و پاداش کمتری از آنچه می‌جویم، به من رسد» (همان، ج ۷، ص ۹).

چهارم به افراد غیرمسلمان هم نباید در حالت عادی سلام کرد؛ مگر اینکه خود ابتدا سلام کنند. در این صورت پاسخ دادن به صورت «علیکم» و نه به صورت «سلام» یا «سلامُ علیکم» لازم است (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۴۶۵).

پیامدهای تربیتی اسلام

اسلام به عنوان زیباترین، پرمحتواترین و مؤثرترین عامل ارتباط میان انسان‌ها دارای پیامدها و ثمرات ارزشمند و بسیار گسترده فردی و اجتماعی است. در ادامه به تشریح این دو بعد پرداخته می‌شود.

۱ - پیامدهای فردی

اسلام آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی است که به همه زوایای زندگی انسان پرداخته است. بنابراین به طور قطع این دین باید عناصر سازنده‌ای را برای تقویت مبانی دوستی و عاطفی میان افراد جامعه دینی ارائه کند تا به این ترتیب حیات فردی بشر ساماندهی شود. سلام از جمله این عناصر است که در ادامه مهم‌ترین پیامدهای فردی آن تبیین خواهد شد.

۱-۱ - کرامت‌افزایی: آدمی به صورت طبیعی از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است و نسبت به حیوانات، برتری وجودی دارد. از این رو برای ارتقای عزت، ارزشمندی و شرافت خود کوشش می‌کند و از پستی و فرومایگی بیزار است. کرامت به معنای بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۱). بر این اساس انسان موجودی شریف است که در نیکوترین شکل آفریده شده است^۱. بنابراین انسان باید به هنگام برقراری ارتباط با دیگران از جایگاه خود در هستی آگاه شده و بداند که او برترین آفریدگان است و همه هستی برای او و به خاطر او آفریده شده‌اند. همچنین بداند خداوند او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و او را به برترین جایگاه در عالم هستی فرا خوانده است. در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام دستورات و برنامه‌های متعددی از جمله سلام کردن یافت می‌شود که انسان را به ارزش نهادن به دیگران فرا می‌خواند و احترام به دیگران را ارزشی متعالی می‌شمارد.

خداوند متعال درباره کرامت انسان در جهان خلقت و علائم کرامت وی چنین می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آن‌ها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر ایشان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم» (اسراء، ۷۰). دیگر نشانه تکریم و عظمت شأن انسان این است که خداوند از روح خویش در وجود او دمیده و به همین لحاظ انسان را شایسته سجده فرشتگان

۱- «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴).

دانسته است و می‌فرماید: «چون آن عنصرها را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم، همه (به دلیل حرمت و عظمت آن روح الهی) بر او سجده کنید» (حجر، ۲۹).

از دیگر نشانه‌های کرامت و شرافت انسان، توانمندی رسیدن به مقام جانشینی خداوند بر روی زمین است. در قرآن می‌خوانیم: «به یاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود: من در زمین خلیفه خواهم گماشت» (بقره، ۳۰).

روند تعاملات اجتماعی باید با سلام کردن آغاز شود. سلام کردن نه تنها در تمام زمینه‌های اجتماعی، بلکه در تمام مقاطع و مراحل سنی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

سلام کردن زمانی کرامت‌افزاست که در تمام تعاملات افراد یا یکدیگر رعایت و در رفتار افراد آشکار شود. امام صادق علیه السلام ظهور تکریم در تربیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را این چنین توضیح می‌دهد: «آن حضرت همیشه دیگران را با سلام کردن مکرم می‌داشت و هرکسی بر او وارد می‌شد، چه بسا عباي خود را زیر پای او پهن می‌کرد و بالشی که تکیه‌گاه خود بود، به وی می‌داد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۷).

۲-۱- عزت آفرینی: عزت در لغت به معنی صلابت و قوت و حالت شکست‌ناپذیری است. عزت حالتی است که نمی‌گذارد انسان مغلوب کسی یا چیزی شده و شکست بخورد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳). عزت در مورد انسان به معنی آبرو و شخصیت و کرنش نکردن در برابر صاحبان زر و زور است (عبدوس، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸). با وجود اینکه اصل عزت برای خداوند است، اما خداوند آن را به هر کسی که طالب عزت باشد اعطاء می‌کند (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلْيَلِ الْعِزَّةَ جَمِيعًا؛ هر که عزت خواهد، پس بداند که عزت همه از خداست و به هر که خواهد می‌دهد» (فاطر، ۱۰). از این رو حضرت علی علیه السلام در مورد عطای عزت از سوی خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنَّهُ جَلَّ إِسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِهِ مِنْ نَصْرِهِ وَ إِعْزَازِهِ مِنْ أَعْزَازِهِ؛ خداوند که نام او بزرگ است، یاری کند هر که او را یاری کند و عزت بخشد هر کسی که او را عزیز دارد» (رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳). همچنین در روایتی دیگر در مورد الزامات به دست آوردن عزت چنین می‌فرماید: «مَنْ بَرِيَ مِنَ الشَّرِّ نَالَ الْعِزَّةَ؛ هر که از شر و بدی برائت جوید، به عزت دست یابد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۳۷۰). عزت‌طلبی چون دژی محکم، انسان را از وسوسه‌ها حفظ کرده و از تباهی‌ها دور می‌گرداند؛ چرا که انسان به عزت رسیده زیر بار هیچ عامل خفیف کننده صلابت و ارزش انسانی نمی‌رود و تنها مطیع امر الهی است (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶).

با توجه به موارد فوق، مراد از عزت‌آفرینی سلام برای آدمی این است که انسان با سلام کردن به عملی دست می‌زند که سرور مؤمنان را در بر داشته و می‌تواند به عزت و جایگاه والایی نزد خداوند و افراد جامعه یابد. بنابراین در تربیت افراد جامعه باید به سلام کردن به عنوان یکی از منابع کسب عزت نگاه شود. در نهایت تقید به سلام کردن در جامعه باعث شکوفایی استعدادهای آدمی، رعایت ادب و احترام در مواجهه با هموعان در جامعه، ارزشمند دانستن خود و دیگران و... می‌شود.

۳-۱- تقویت تواضع و جلوگیری از تکبر: یکی از موانع مهم در نیل به سعادت، خودمحوری، غرور و تکبر است. کبر در لغت به حالتی اطلاق می‌شود که انسان خود را نسبت به دیگران برتر می‌پندارد و فرد متکبر به تکلف اظهار بزرگی می‌کند. در اصطلاح نیز صفتی درونی برای اظهار کردن کبر است (دهخدا، ۱۳۲۳، ج ۱، ص ۳۲). تکبر راه پذیرش هدایت را مسدود کرده و سبب ایجاد سدی بین افراد می‌شود. عنصر تواضع در مناسبات انسانی از نظر امام علی علیه السلام ضرورتی غیر قابل اجتناب است. اگر تواضع و فروتنی و پذیرش نیاز به غیر برای دستیابی به کمال در انسان نباشد، امکان تحقق تعاملات مطلوب از بین خواهد رفت. خودپسندی به عنوان آفت عقل و ادراک، نگاه انسان را به خویشتن محدود کرده و آدمی را از امکانات بیرون از خود محروم می‌کند. از این رو تمام مظاهر غرور، نخوت و تکبر در قالب خود بزرگ بینی، خود برتر بینی، خودپرستی، خودپسندی، خودستایی، خودمحوری، خودخواهی و خودنمایی مورد نهی قرار گرفته‌اند (رضی، ۱۳۸۲، حکمت ۳۳۳). انسان با سلام کردن، تواضع خود را نسبت به دیگران ابراز می‌کند و این باعث شکوفایی عقل و خرد می‌شود. به نحوی که مرزهای آن به سوی دریافت امکانات برتر دیگر در خارج از وجود خویش گسترش می‌یابد. بدیهی است که این امر مستلزم پذیرش وجود کاستی در خویشتن است و قطعاً تکبر با پیش فرض انحصار بر امکانات و توانایی‌های خویش، راه عقل و بینش را برای کسب توانمندی بیشتر از طریق دیگران مسدود می‌کند. از این رو، ریشه تواضع‌گرایی و تکبرگریزی همان تعقل و غفلت است. در فرهنگ تربیتی اسلام، غرور و تکبر سبب ضلالت آدمی است. چنانچه در سرآغاز خلقت سبب فریفته شدن شیطان و خود بزرگ بینی او شد و او را از بارگاه الهی خارج کرد. از طرف دیگر، تواضع و فروتنی سبب نزدیکی به سرچشمه هدایت و زندگی در بهشت هدایت است. امری که ملائکه در جریان خلقت انسان، مظهر تام آن بودند. به هر میزان که روحیه تواضع در انسان پرورش یابد، امکان نیل به هدایت و قرب الهی در او بیشتر می‌شود و به هر میزان که ویژگی تکبر او را محدود کند، پافشاری بر ضلالت و گمراهی غیر قابل اجتناب خواهد بود.

۴-۱- آرامش‌زایی: هر فردی به صورت طبیعی به دنبال آرامش است و اضطراب و ناراحتی را دوست نداشته و از آن فراری است. آرامش آن قدر برای انسان مهم است که به تعبیر امام علی علیه السلام

برترین زیبایی^۱ (رضی، ۱۳۸۲، خطبه ۶۰۸۸) و گواراترین نعمت از بین نعمت‌های خداوندی^۲ تلقی می‌شود (همان، خطبه ۱۰۹۱۱). اهمیت آرامش و نقش آن در زندگی آدمی در روایات فراوان مورد توجه است و از این رو به شیوه‌های تحقق آن توصیه شده است. فقیهی (۱۳۷۹، صص ۳۱۳-۳۱۴) در مقاله شیوه‌های تربیتی و تأثیر آن در آرامش، فقط به ۲۴ شیوه از کلام امام علی علیه السلام اشاره کرده و این حاکی از انعکاس گستردگی نقش آرامش در زندگی دنیوی و سعادت اخروی در کلام معصومین علیهم‌السلام است. از جمله ابزار آرامش آدمی، سلام کردن است. انسان آنچنان که در قرآن (فجر^۳، ۲۸-۲۷؛ یونس^۴، ۶۲) توصیف شده، توانایی رسیدن به آرامش، رضامندی و احساس امنیت دارد و از سویی دیگر در موارد مختلف، سکینه آرامش و اطمینان و نداشتن اندوه و بیم که از عناصر لازم سلامت روانی در زندگی دنیا هستند، در وجود انسان نهاده شده است.

۱-۵- تعادل روانی: سلام کردن، محور ظهور عواطف انسانی و محرک انسان است. هر مکتبی که بتواند دست روی نقطه‌ای بگذارد که با دست گذاشتن روی آن نقطه تمام استعدادها و وجود انسان هماهنگ با یکدیگر و بدون افراط و تفریط به حرکت در آیند، مکتب جامعی خواهد بود. این نقطه و آنچه در سبک زندگی اسلامی، محور رفتار اخلاقی محسوب می‌شود، سلام کردن است. نظام‌های ارتباطی و تربیتی باید در سایه این امر، با برخوردار کردن آدمی از بلند نظری و احترام به دیگران، وی را از کینه دور کند. این منش متعادل سبب دوری فرد از بی‌هدفی و آشفتگی می‌شود، او را تحت یک برنامه حمایتی قرار داده و به بهداشت جسمی، اخلاقی و روانی او کمک می‌کند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷).

۲ - پیامدهای اجتماعی

اسلام با توجه به اصل اعتقادی توحید، برای اجتماع، وحدت و یگانگی مردم بر محور واحد و یکسان، اهمیت ویژه‌ای قائل است. بنابراین برای تحقق این مهم و رسیدن به وحدت و یگانگی و شکل‌گیری جمع‌ها و جماعت‌ها باید ملات اجتماعی چسبناک‌تری عرضه کرد تا جامعه دینی با روابط

۱- علیک بالسکینه، فانها افضل زینة.

۲- لا نعمة هنا من الأمن.

۳- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً.

۴- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخْوَفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

پایدارتری به حیات خود ادامه دهد. بنابراین عامل ارتباط با هدف شکل‌دهی به زندگی یکپارچه و همگرا و یگانگی بر محور توحید عملی با عنوان «سلام» از سوی دین اسلام و پیامبر بزرگ آن تقدیم جامعه بشری شده است. از جمله پیامدهای اجتماعی سلام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲- زمینه‌سازی انس و الفت: سلام کردن می‌تواند زمینه‌ساز انس و الفت میان مؤمنان شود. چرا که به صورت طبیعی یکی از خواسته‌های هر انسانی، انس و الفت با دیگران است و تنهایی برای او دشوار است. انسان می‌خواهد کسی امین، غم‌خوار، مهربان و رازدار او باشد تا به او انس گیرد. الفت در اصطلاح به معنی اجتماع دوستانه و با هم بودن محبتی و انس یافتن با هم است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۷). و از منظر روان‌شناسی اجتماعی، مفهومی است که به کنش‌های روانی انسان‌ها در تعامل با هم در محیط اجتماعی می‌پردازد و در حوزه‌ای بین رشته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به روابط بین افراد در ارتباطات میان‌فردی (همچون روابط دوستانه و خانوادگی) توجه دارد.

بسیاری از دستورات شرعی اسلام درباره ارتباطات اجتماعی برای شکوفاسازی این خواسته سرشتی و دستیابی به الفت بین مؤمنین مقرر شده است و در همین راستا فیض کاشانی رساله‌ای به نام *الفت‌نامه* به رشته تحریر در آورده و در آن معتقد است اکثر دستورات شرعی برای دستیابی به این الفت مقرر شده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۱، صص ۲۰۹-۲۰۷). رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «کامل‌ترین شما در ایمان کسی است که خوش‌خوترین باشد» و در بیان شاخص‌های خوش‌خویی فرموده است: «آنان که نرم و الفت‌گیرنده و مورد الفت دیگران هستند» و می‌افزاید: «از ما نیست کسی که الفت‌گیرد و کسی با او الفت‌نگیرد» (بیهقی، ۱۴۳۴ هـ ج ۲، ص ۲۷۱۹). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «ذات مؤمن الفت‌گیرنده است و در کسی که با هیچکس الفت‌نگیرد و کسی با او الفت‌نگیرد، هیچ خیری نیست» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۰۲).

همان گونه که اشاره شد، سلام کردن یکی از عواملی است که موجب ایجاد الفت، انس و دوستی می‌شود؛ زیرا انس و الفت خواسته‌ای طبیعی است که خداوند در نهاد همگان سرشته است. در این میان اگر رابطه الفتی که انسان‌ها از طریق سلام کردن ایجاد می‌کنند، با ایمان، تقوا و تدین همراه باشد، انس گرفتن لذت‌بخش‌تر و پرثمرتر خواهد بود. این انس و الفت ایمانی علاوه بر انس و الفت انسانی و خویشاوندی است که خداوند در دل‌های مؤمنان قرار می‌دهد و روابط آن‌ها را صمیمی‌تر کرده و باعث خوشبختی آن‌ها می‌شود. همان گونه که خداوند می‌فرماید: «دل‌هایشان (مؤمنان) را به یکدیگر مهربان ساخت. اگر تو همه آنچه را که در روی زمین است انفاق می‌کردی، دل‌های ایشان را به یکدیگر مهربان نمی‌ساختی. ولی خدا دل‌هایشان را به یکدیگر مهربان ساخت که او پیروزمند و

حکیم است^۱» (انفال، ۶۳). از این رو انسان‌ها از طریق سلام کردن به زمینه‌سازی و برقراری روابط عاطفی و انسی با یکدیگر به پیروی از منش رسول گرامی اسلام ﷺ می‌پردازند و یکدیگر را با اخلاق نیکو و معاشرت پسندیده خودشان سعادت‌مند می‌کنند. بنابراین سلام کردن آدمی را به روابط انسی با افراد جامعه ایمانی می‌کشد.

۲-۲- تقویت تعامل عاطفی: سلام کردن بر ایجاد و تقویت ارتباط عاطفی و روی آوردن آدمی به امور پسندیده تأثیر دارد. از این رو به این شیوه ارتباطی با افراد در متون دینی توصیه شده است «اوصیکم بالشَّبانِ خیراً» (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۹). ارتباط عاطفی و حمایتی مؤمنان با یکدیگر که می‌تواند با سلام کردن آغاز شود، یکی از مهم‌ترین ملزومات مؤثر در تعمیق باورهای دینی است که قرآن آن را خصیصه افراد مؤمن به عنوان رحماء بینهم (فتح، ۲۹) مطرح کرده است.

این عامل به تحول در روابط افراد نظر دارد و در صدد پیوند عاطفی زندگی فرد با زندگی جامعه ایمانی است. آن طور که در تبادل بر، محبت و مهرورزی، نسبت به یکدیگر همانند یک پیکرند و درد دیگری را درد خود و مشکل دیگری را مشکل خویش دانسته و تمام توان خود را در رفع آن به کار می‌گیرند (اهوازی، ۱۴۰۴ هـ ص ۳۹) و کوشش دارند هیچ کلام و عملکردی نسبت به یکدیگر نداشته باشند که در آن محبت و مودت جلوه‌گری نکند. چون آن‌ها با هم اخوت دارند و محبت به یکدیگر را محبت به خویش می‌دانند (حجرات، ۱۰). این نوع رفتار مودتی، از بینش و عاطفه درونی و باور قلبی سرچشمه می‌گیرد، به صورت آبراه‌های زلال در رگ‌های جامعه جریان می‌یابد و سبک زندگی را حیات می‌بخشد و بر حاکمیت تولی در جامعه ایمانی، به صورت همه‌جانبه و عمیق اثر می‌گذارد.

۲-۳- تقویت همدلی: یکی از لوازم و ضروریات اصلی زندگی اجتماعی، وجود همدلی افراد یک جامعه و یک امت است. همدلی، ظرفیت بنیادین در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است. این مهارت توانایی است که نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارد و عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین شخصی محسوب می‌شود (بشارتی و همکاران، ۱۳۹۰). اینکه فرد بتواند زندگی دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند. همدلی به ما کمک می‌کند تا انسان‌های دیگر را وقتی با ما متفاوت هستند، بپذیریم و به آن‌ها احترام بگذاریم. کسانی که همدلی بیشتری دارند، به دیگران علاقه‌مندند، افراد مختلف را تحمل می‌کنند و در نظر

۱- وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

دیگران دوست‌داشتنی‌ترند. این مهارت، روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد و به ارتقای کیفیت زندگی و خرسندی از آن منتهی می‌شود. امام علی علیه السلام برای این مهارت ارزش زیادی قائل است؛ به طوری که نمی‌توان همانندی برای آن تصور کرد: **أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ، وَ تَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ، بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ. فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ قَدِ امْتَنَّ عَلَيَّ جَمَاعَةً هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأُتْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَ يَأْوُونَ إِلَيَّ كَنَفِهَا، بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً، لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛** «آگاه باشید که شما هم‌اکنون دست از رشته اطاعت کشیدید و با زنده کردن ارزش‌های جاهلیت، دژ محکم الهی را در هم شکستید. در حالی که خداوند بر این امت اسلامی بر «وحدت، برادری و همدلی» منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند. نعمتی بود که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصور کرد؛ زیرا از هر ارزشی گران‌قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود» (رضی، ۱۳۸۲، خطبه ۱۹۲).

یکی از بارزترین ویژگی‌های این مهارت، برقرار کردن دوستی با هموعان و درک کردن دیگران است که این درک کردن و ابراز محبت می‌تواند به شیوه‌های مختلفی از جمله بخشش نسبت به دیگران، فداکاری و گذشت نسبت به یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر و سلام کردن باشد. مهارت‌های اجتماعی در حقیقت نحوه شروع، ایجاد و برقراری رابطه با محیط پیرامون است. ما بخش اعظم هر روز را به ارتباط با دیگران می‌گذرانیم و هر چه بیشتر بتوانیم نیازهای خود را بیان کرده و نیازهای دیگران را درک کنیم، از بهداشت روانی بهتری برخوردار خواهیم بود. توانایی ارتباطی از جمله سلام کردن به ما کمک می‌کند تا با دیگران ارتباط کلامی و غیر کلامی مؤثرتری داشته باشیم و با غلبه بر خجالت، نظرات خود را برای دیگران بیان کنیم (خنیفیر و پورحسینی، ۱۳۹۱).

۴-۲- تحکیم دوستی: در تفسیر *المیزان* و در توضیح کلمه «أَخْلَاءَ»، دوستی چنین تعریف شده است: کلمه أَخْلَاءَ جمع خلیل به معنای دوست است. اگر دوست را خلیل گفته‌اند بدان جهت است که آدمی، خَلَّتْ یعنی حاجت خود را به او می‌گوید. و ظاهراً مراد از أَخْلَاءَ، مطلق کسانی است که به یکدیگر محبت می‌کنند. چه متقین و اهل آخرت که دوستی‌شان با یکدیگر به خاطر خداست (نه به خاطر منافع مادی) و چه اهل دنیا که دوستی‌هایشان به منظور منافع مادی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱۸، ص ۱۸۲). اسلام، دین دوستی و محبت است و از این رو همواره در این دین به دوستی و برادری و محبت به هموعان تأکید شده است. خداوند متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ**

أَغْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید. همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند. باشد که شما راه یابید» (آل عمران، ۱۰۳-۱۰۲). با توجه به مفهوم آیه فوق، اسلام اعضای جوامع انسانی را به محبت و دوستی با هم دعوت می‌کند. یکی از ائمه معصوم علیهم‌السلام که تأکید فراوانی نسبت به دوستی و برادری در جامعه می‌کند، حضرت علی علیه‌السلام است. ایشان در اهمیت دوستی و تلاش در نگه داشتن آن می‌فرماید: *أَحْمِلُ نَفْسَكَ مِنْ أَحْيَاكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَعِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَالْمَقَارِبَةِ، وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى التَّبَدُّلِ، وَعِنْدَ تَبَاغُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ، وَعِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللَّيْنِ، وَعِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعُدْرِ، حَتَّى كَانَتْ لَهُ عَيْدٌ، وَكَانَتْ دُو نِعْمَةٍ عَلَى؛* «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی را برقرار کن. اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزید، تو بخشنده باش. هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان بگیر» (رضی، ۱۳۸۲، ص ۸۸۵). همچنین امام صادق علیه‌السلام در همین باره می‌فرماید: دوستی برادران مؤمن، جزئی از دین است و شخص عاقل مراقب دین خود است (ابن بابویه، بی‌تا، ص ۷۴).

با توجه به موارد فوق، می‌توان دریافت که سلام کردن موجب شکل‌گیری و تحکیم دوستی و اخوت میان مؤمنان است. مردم یک جامعه مانند اعضای یک خانواده هستند که برای رسیدن به مقاصد والای الهی نیازمند عطوفت و دوستی با یکدیگر هستند و سلام کردن، فتح بایی برای این موضوع است. اگر دوستی با سلام کردن بنا شود، پایدارتر خواهد بود. وقتی انسانی که پا به عرصه جامعه می‌گذارد، نسبت به هموعان خود با عاطفه و دوستانه سلام کند، حتماً از تعامل خوبی با دیگران برخوردار خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

سلام، آغازین ادب سبک زندگی اجتماعی و تعلیم اخلاقی اسلام است. این ادب از آن انسانیت است و شامل همه می‌شود؛ مگر مواردی استثناء‌پذیر که موارد آن اندک و فقط در برابر دشمنان در حال جنگ یا حکم جنگ است. از سوی دیگر، این ادب به معنای کرنش و خضوع نیست؛ بلکه به معنای پیام امنیت و سلامتی به مخاطب است که از ناحیه ما نگران و دغدغه نداشته باش. همچنین سلام کردن دستوری دینی در سلسله ادیان ابراهیمی و پیامبران الهی علیهم‌السلام برای موحدان بوده که

در کمترین حد از آن برای آغاز یا تمام کردن گفت‌وگوها استفاده می‌شد. اما سلام کردن به قدری دارای اهمیت است که سبقت گرفتن از دیگری برای سلام کردن امری مطلوب شمرده شده و قرآن نه تنها انسان‌ها را طبقه‌بندی نکرده که بگوید چه کسی باید به چه کسانی و با چه میزان از عقیده، مذهب، موقعیت اجتماعی، سیاسی و مذهبی سلام کند، بلکه از پیامبران خواسته در سلام کردن پیشی بگیرند، در سختی‌ها و مخالفت‌ها از سلام غفلت نکنند و پاسخ خود را با سلام و درخواست سلامتی بدهند که امری مطلوب شمرده شده است. با توجه به چنین امری است که پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه سلام در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن انجام شده است. یافته‌های مهم این مقاله عبارت است از: ۱- سلام در فرهنگ اسلامی در حقیقت اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام‌دهنده به شخصی است که به وی سلام می‌دهد. شخص سلام‌دهنده به سلام‌گیرنده اعلام می‌کند که تو از ناحیه من در امانی و هیچگونه ستم و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید و آزادی فطری را که خدا به تو مرحمت کرده، از ناحیه من صدمه نخواهد دید. ۲- نخستین نیاز جامعه، فضای آرامش و التیام و دوستی و سلامت در روابط است. جامعه در همکاری خود با یکدیگر نیازمند تفاهم است که در بین افراد حاکم باشد و این با سلام کردن حاصل می‌شود. ۳- کلمه سلام بارها در قرآن آمده و به آن تشویق شده، همان‌گونه که این روش، اخلاق اجتماعی همه معصومین علیهم‌السلام نیز بوده؛ به طوری که آداب بسیاری بر آن وارد ساخته‌اند. ۴- مهم‌ترین پیامدهای تربیتی سلام در دو بعد فردی (کرامت‌افزایی، عزت‌آفرینی، تقویت تواضع و جلوگیری از تکبر، آرامش‌زایی و تعادل روانی) و اجتماعی (زمینه‌سازی انس و الفت، تقویت تعامل عاطفی، تقویت همدلی، تحکیم دوستی) با نگاهی درون‌دینی شناسایی شدند. البته باید ذکر کرد که تشریح جامع هر یک از پیامدها نیازمند پژوهش‌های جدیدی است که پژوهشگران حوزه روان‌شناسی اسلامی و همچنین سلامت رفتاری یا سلامت معنوی باید در مطالعات آتی خود به آن‌ها بپردازند تا در نهایت به تدوین نظریه‌ای اسلامی در مورد پیامدهای تربیتی در حوزه سلام منجر شود.

منابع

- ابن بابویه، م. (۱۳۸۴). توحید. تحقیق علی‌اکبر غفاری و سید هاشم حسینی. قم: موسسه نشر آثار اسلامی.
- _____ . (بی‌تا). *مصادیق‌الآخوان*. ترجمه محمدتقی دانش‌پژوه. بیروت: مکتبه امام صاحب‌الزمان علیه‌السلام.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، م. (۱۳۷۹). *المناقب*. قم: علامه.
- ابن منظور، م. (۱۴۰۴هـ). *لسان‌العرب*. ترجمه حسن بن احمد همدانی. ج ۱۴. قم: مؤسسه دارالفکر.
- ابی‌الحدید، ع. (۱۳۷۸هـ). *شرح نهج‌البلاغه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- اصفهانی، ر. (۱۴۱۶هـ). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالشامیه.
- اهوازی، ح. (۱۴۰۴هـ). *المؤمن*. قم: مدرسه امام مهدی علیه‌السلام.
- بشارتی، م.؛ خدابخش، م.؛ فراهانی، ح. و رضازاده، م. (۱۳۹۰). نقش واسطه خود شیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین‌شخصی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۵ (۱)، ۲۳-۷.
- بهشتی، س. و افخمی اردکانی، م. (۱۳۸۶). تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه. دو *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۲ (۴)، ۳۹-۷.
- بیهقی، ا. (۱۴۲۴هـ). *شعب‌الایمان*. بیروت: دارالفکر.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۶هـ). *وسائل‌الشیعه*. تهران: مکتب‌الاسلامیه.
- حسینی دشتی، م. (۱۳۶۹). *معارف و معاریف*. ج ۳. قم: اسماعیلیان.
- خنیفر، ح. و پور حسینی، م. (۱۳۹۱). *مهارت‌های زندگی*. تهران: هاجر.
- دلشاد تهرانی، م. (۱۳۷۹). *منظر مهر: مبانی تربیت در نهج‌البلاغه*. تهران: دریا.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رضی، س. (۱۳۸۲). *نهج‌البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه‌السلام.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: اسلامی.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع‌الجامع*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طریحی، ف. (بی‌تا). *مجمع‌البحرین*. ج ۱. تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیهم‌السلام.
- عابدینی، ا. (۱۳۸۳). *فرزندان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سیاسی*. تهران: عابد.
- عبدوس، م. و اشتهدادی، م. (۱۳۷۵). *بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عمید، ح. (۱۳۸۵). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.

- فرمهبینی فراهانی، م.؛ میرزاحمدی، م. و سالاری، ا. (۱۳۸۸). بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق علیه السلام: مبانی، اصول، روش‌های تربیتی. *دو ماهنامه دانشور رفتار*، ۶ (۳)، ۶۲-۷۹.
- فرید تنکابنی، م. (۱۳۷۲). *الحدیث*. قم: اسلامی.
- فقیهی، ع. (۱۳۷۹). *شیوه‌های تربیتی و تأثیر آن در آرامش روانی از دیدگاه امام علی علیه السلام*. کتاب چهارم تربیت اسلامی. مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام. صص ۳۲۸-۳۱۱. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- فیروزآبادی، م. (۱۴۱۵هـ). *القاموس المحيط*. ترجمه و تحقیق محمد نعیم. ج ۴. قم: مؤسسه رسالت.
- فیض کاشانی، م. (۱۳۸۳). *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری. قم: اسلامی.
- کمره‌ای، م. (۱۳۶۸). *آداب و سنن*. تهران: صدر.
- کلینی، م. (۱۳۴۴). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی، ز.؛ نجفی، م. و نصرتی هشی، ک. (۱۳۹۳). *تحقق جامعه عزت‌مدار؛ تجلی نظام تربیت کریمانه*. فصلنامه اخلاق، ۴ (۱)، ۱۶۲-۱۲۹.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳هـ). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، م. (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
- مصطفوی، ح. (۱۳۸۵). *التحقیق حول القرآن الکریم*. تهران: علامه مصطفوی.
- معین، م. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: فردوس.
- منجد، م. (۱۳۸۳). *المنجد فی اللغة*. قم: اسلام.
- میر احمدی، غ. (۱۳۸۴). *سلام و آثار فردی و اجتماعی آن از دیدگاه قرآن و سنت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه جامعه المصطفی.